لوح مباهله

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



### من آثار حضرت بهاءالله - مائده آسمانی، جلد 4

## باب ششم - لوح مباهله

جمال قدم جل جلاله میفرمایند قوله تعالی :
“ معلوم احباء الله بوده باشد که یومی از ایام سید دجال بمکر جدیدی قیام نموده بجهة القای شبهه در قلوب عباد باری در ادرنه نزد اعجام شهرت داده که ما امروز قرار گذارده ایم که بیایند در مسجد سلطان سلیم و ما هم حاضر شویم و اظهار حقیقت خود را نمائیم تا آنکه حق از باطل ممتاز شود و میر محمد شیرازی از این فقره مطلع شده و بعرض جناب آقای آقا میرزا محمد قلی رسانید و ایشان در ساحت اقدس امنع ارفع ابهی معروض داشته و چون که ایشان مطلع شدند در ساعت حرکت فرمودند و عازم مسجد مذکور گردیدند باری زیاد تفصیل دارد بقدر اخبار قدری ذکر میشود باری فرمودند به میر محمد برو حضرات را اخبار نما که ایشان در مسجد انتظار دارند چونکه میر محمد مذکور آن ملعون را اعلام نمود متعذر شد که امروز ممکن نمیشود قرار باید بروز دیگر گذاشت و بعد میر محمد گفته بود بآن خبیث که تو خود این فقره را اختیار نمودی و تو مایل این امر شدی و تو سند نوشته ای که هر که امروز حاضر نشود باطل است و بر حق نیست آخر بچه حرف شما اعتبار باید نمود الحاصل آن روز ایشان تا قریب بغروب در مسجد تشریف داشتند و آن خبیث طفره زد و نیامد و در حین مرور در سوق مخاطبا لمیر محمد لسان الله باین آیات قدس صمدانی ناطق گردید و کل خلق همه میشنیدند و از نزول این متحیر شده‌اند و این است مضمونات آن که ذکر میشود فلما سمعنا خرجنا عن البیت بسلطان مبین و قلنا

یا محمد خرج الروح عن مقره و خرجت معه ارواح الاصفیاء ثم حقایق المرسلین انک اذا فاشهد اهل منظر الاعلی فوق رأسی ثم فی قبضتی حجج النبیین فافتح عیناک هذا لعلی ثم محمد رسول الله قد طلع عن افق البیت بسلطان مبین و اتاکم بکل الآیات من لدی الله المقتدر القدیر قل لو یجتمع کل من علی الارض من العلماء و العرفاء ثم الملوک و السلاطین اننی لاحضر تلقاء وجوههم و انطق بآیات الله الملک العزیز الحکیم انا الذی لا اخاف من احد و لو یجتمع علی کل من فی السموات و الارضین قد خضعت الایات لوجهی و خشعت الاصوات لنغماتی الابدع البدیع هذا کفی قد جعله الله بیضاء للعالمین وهی عصای لو نلقیها لتبلع کل الخلایق اجمعین کلما خلق بین السموات و الارض عند ربک کقبضة من الطین انک انت یا محمد اذهب الی ملأ المشرکین و قل قد جائکم الغلام و معه جنود الوحی و الالهام و یمشی قدامه ملکوت الامر ثم عن ورائه قبائل ملأ الاعلی ثم سکان مداین البقاء ثم ملائکة المقربین قل خافوا عن الله و لا تعترضوا علی الذی بامره قدر کل امر حکیم اذا فاحضروا بین یدی الله بحبالکم و عصیکم و ما کان عندکم لو انتم من القادرین انا نذهب الی بیت الله الذی بناه احد من الملوک و سمی بالسلیم و اننی وحده قد جئتکم عن مطلع البقاء بنبأ الاعظم العظیم و اتوقف الی ان تغرب الشمس فی مغربها لعل یستحین المعرضون فی انفسهم و یکونن من التائبین ثم اعلم بان الله حرم علی احباء الله لقاء المشرکین و المنافقین و لکن انا خرجنا عن البیت متوکلا علی الله ناظرا الی شطر الامر لعل یتنبه بذلک عباد الله الغافلون و الذین کفروا او اشرکوا اولئک لن یؤمنوا بالله و لو یأتیهم بصحائف القدس او بجنود الغیب او بحجج المرسلین

الخ الی قوله تعالی :

ان الذی اتخذوه المشرکون ربا لانفسهم و اعترضوا به علی الله المقتدر العزیز الجمیل انه کان کاحد من عبادی و کان یحضر تلقاء الوجه فی کل بکور واصیل و هبت علیه من شطر نفسه اریاح الهوی بما اکتسبت یداه الی ان حرکته عن مقره و اترکه فی اسفل السافلین انا اشتهرنا اسمه بین العباد بحکمة من لدنا و ان ربک لهو الحاکم علی ما یرید”

و دیگر آنکه حسن آقا نامی است در آن ارض و تنباکو فروش است سید دجال باین فقره مذکور با او مع بودند و سند را باطلاع او مرقوم داشته‌اند باری در حقیقت آن روز حق بالغ و کامل شد بل ابلغ و اکمل گردید و چونکه میر محمد آمد خدمت جمال الله و معروض داشت که آن ملعون را که میرزا یحیی باشد اخبار نمودم که ایشان در مسجد منتظرند که تو بیائی و اظهار حقیقت خود نمائی آن لعین ذکر کرد که امروز موقوفست قرار بروز دیگر بگذارید بعد لسان الله بتکلم آمد
که عند الله عدم حضور آن نفس شرور معلوم مقصود اتمام حجت بود اگر چه اتمام حجت او از اول لا اول بر این منکرین جمال رب العالمین شده و جمال الله خارج از جامع گردیده از اتفاقات دکان حسن آقای مذکور در محل عبور طلعت مبارک واقع بود بعد از وصول بدکان لسان الله فرمود بنا بقراری که حضرات سند داده بودند طلعت رحمن حاضر و مشرکین قرار خود را انکار کردند و روز بعد این توقیع منیع باسم حسن آقا صادر و آن ملعون مطلقا مشعر نشده و صورت توقیع مبارک این است :

بسم الله الرحمن الرحیم
هذا کتاب من هذا الغلام الی من علی الارض اجمعین ان لا تعبدوا الا الله الملک العلی العظیم کذلک نزل الامر فی کل الالواح من لدن مقتدر قدیر و بعد قد سمعنا بان المعرضین ارادوا ان یحضروا بین یدی الغلام قل ان احضروا و لا تکونن من المتوقفین و جعلنا محل الحضور بیت الله الذی بناه احد من السلاطین و انه سمی بالسلیم فی ملکوت الاسماء لو انتم من العارفین و قدرنا یوم اللقاء یوم الاحد و الاثنین و کان الله علی ما اقول شهید لو یجتمع کل من علی الارض لیأتیهم الغلام انه ما اراد به ربکم العالم الحکیم” انتهی